

خواست درس تفسیر را در روزهای یکشنبه و سه‌شنبه در مکتب برگزار کنم تا مکتب تعطیل نشود. مأموران مدام می‌آمدند و می‌پرسیدند که چه کار می‌کنید. من می‌گفتم که تفسیر قرآن درس می‌دهم ولی در اصل صحبت‌هایی ضد نظام شاهنشاهی داشتیم. به هر حال، هر جایی از قرآن را که می‌گرفتیم، نکته‌ای برای اشاره به ظلم آن دوران داشت. حتی یک دوره‌ای سوره «ممتحنه» را تفسیر می‌کردم که حسابی به نظام شاهنشاهی هجوم می‌برد. خاطرم هست آن زمان مرحوم هاشمی نژاد به برادرم پیام داده بود که «به خواهرتان بگویید مراقب خودشان باشند. ممکن است رژیم همین درس تفسیر را بهانه‌ای برای دستگیری ایشان کند.» حقیقت هم این بود که کارهای ما را زیر

نظر داشتند. منتظر بودند چیزی دستشان بیاید و ما

را دستگیر کنند. مدتی هم دستشان به چیزی نرسید و از سرناچاری مکتب را تعطیل

کردند. بعد از تعطیل شدن مکتب، سخنرانی‌هایم را در مسجد النبی (ص)

خیابان کوهسنگی انجام می‌دادم.

همان جا بودیم که انقلاب پیروز

شد. بعد از انقلاب اسلامی،

در مکتب درس نهج البلاغه

می‌گفتم. حکمت‌های این

کتاب بسیار زیاد است و

برای هر خط از آن باید کتابی

نوشت.»

✚ مغز بیمه امیرالمؤمنین (ع) است

پس از پیروزی انقلاب تا مدتی

در مکتب نرجس به تدریس علوم

قرآنی و کلام ادامه می‌دهد. علاقه‌اش به

نهج البلاغه باعث می‌شود در کنار جلسات

آموزشی در مکتب نرجس، کم‌کم دوره‌هایی آموزشی

نیز در منزل خود برگزار کند و این کلام بی‌نهایت پرمعنی را به بانوان

بیشتری آموزش دهد اما با کهنوت سن مجبور به تعطیل کردن جلسات

می‌شود. «هم‌زمان با درس نهج البلاغه و تفسیر قرآن در مکتب، در خانه

تدریس می‌کردم. جزوه‌های دست‌نوشته را شاگردانم دست‌نویس

می‌کردند و بین هم می‌چرخاندند. خانم طاهایی که فوت کرد، حضور

من هم در مکتب تقریباً کم‌رنگ شد و مجالس تفسیر را کلاً به خانه

هم‌زمان با درس نهج البلاغه و
تفسیر قرآن در مکتب، در خانه درس
می‌دادم. جزوه‌های دست‌نوشته را
شاگردانم دست‌نویس می‌کردند
و بین هم می‌چرخاندند. خانم
طاهایی که فوت کرد، حضور من
هم در مکتب تقریباً کم‌رنگ شد و
مجالس تفسیر را به تمامی خانه
آوردیم. درهای اتاق‌ها را باز می‌کردم
تا خانم‌ها بنشینند و تفسیر‌ها را
گوش کنند

آوردیم. درهای اتاق‌ها را باز می‌کردم تا خانم‌ها بنشینند و تفسیر‌ها را گوش کنند. البته همان سال‌ها من آنفارکتوسی جزئی هم کردم که از نظر حرکتی و کلامی کمی برایم مشکل ایجاد کرد ولی الحمدلله به مغز آسیبی نرسید و هیچ تأثیری روی حافظه‌ام نگذاشت. خانم دکتر که از من نوار مغز گرفته بود می‌گفت جالب است که مغز من هیچ مشکلی ندارد. در جوابش گفتم که این مغز بیمه امیرالمؤمنین (ع) است. گفتم چون تفسیر و نهج البلاغه درس می‌دهم، خودشان از من مراقبت می‌کنند. الان دیگر توانایی برگزاری جلسات را ندارم ولی مطالعاتم ادامه دارد. زمانی که سکت کردم، در حال تدوین جزوه خطبه ۳۱ نهج البلاغه بودم که یکی از خطبه‌های عرفانی

و عمیق هم هست ولی متأسفانه نتوانستم آن را

تمام کنم. الان دیگر در آستانه صدسالگی

هستم و خیلی از کارهایم را خودم

نمی‌توانم انجام دهم. تا چند

سال پیش همه کارهای خودم

را می‌توانستم انجام دهم و

آن قدر هنر داشتم که همه

دوخت و دوزهایم را هم

خودم انجام می‌دادم ولی

الان باید حتماً یک نفر

دست به کمکم باشد.»

✚ خانه‌ای که در آن یک قرن
به روی مردم باز بود

این روزها که کلاس‌های

درس بانو نوقانی برگزار

نمی‌شود، جلسات قرآنی و

روضه‌های خانگی صدساله این خانه

که میراث خانوادگی آن‌هاست ادامه دارد.

شاگردان نهج البلاغه دوست او برای استفاده

از جزوه‌ها و درس‌گفته‌های او هم چنان به منزلش مراجعه

می‌کنند و هم چنان هم‌نشینی با این بانوی مقدس برای میهمانان،

از آموخته‌های بسیار سرشار است. حتی اگر کلامی نباشد، از

رفتار او می‌توان فراگرفت. نمونه‌ای از آن وضوی دائم و تنظیم

همیشگی صندلی نشیمن رو به قبله و در دست داشتن دائم کلام...

و نهج البلاغه است.

نگاهی کوتاه به زندگی آیت‌ا... میرزا علی اکبر نوقانی، پدر و معلم بتول نوقانی

عالم اهل عمل

آیت‌ا... میرزا علی اکبر نوقانی، پدر بانو نوقانی، در محله نوقان (نوغان) چشم به جهان گشود و به میرزای نوقانی اشتهار یافت. او تا بیست و هفت سالگی در مشهد نزد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، حاج

شیخ حسنعلی تهرانی و حاج سید عباس شاهرودی به تحصیل دانش‌های دینی پرداخت.

میرزا در سال ۱۳۲۷ هجری قمری، سه سال پس از انقلاب مشروطه، برای فراگیری دانش‌های دینی رهسپار نجف شد و دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی فراگرفت. پس از تکمیل تحصیلات و دریافت اجتهاد از میرزا محمد تقی شیرازی، مشهور به میرزای دوم، و حاج شیخ عبدا... مازندرانی به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس دروس حوزوی پرداخت.

میرزا پس از بازگشت از عتبات جز سال ۱۳۶۶ هجری قمری که به تهران رفت، سفر دیگری به خارج از خراسان نداشت. فقط در اواخر عمر در سال ۱۳۶۸ هجری قمری برابر با ۱۳۲۸ هجری شمسی به مکه مشرف شد. در همین سفر، دهه اول محرم در کربلا حضور یافت و در صحن حرم سیدالشهدا (ع) به منبر رفت و مقتل خواند.

او از انگشت شمار عالمانی بود که در عصر رضاشاه حق پوشیدن لباس داشت. در سال ۱۳۲۳ هجری قمری، برابر با ۱۳۶۳ هجری قمری، تصدی امور مدرسه نواب از سوی وزارت فرهنگ و اوقاف به او واگذار شد و



تا پایان حیات خود تولیت این مدرسه را برعهده داشت.

او با امام خمینی (ره) رابطه‌ای بسیار دوستانه داشت. امام (ره) پیش از درگذشت

میرزا وقتی به مشهد می‌آمد به بیت ایشان وارد می‌شد و پس از ارتحال میرزای نوقانی،

به قصد ابراز تسلیت و دلجویی به مشهد آمد

و هفته‌ای در منزل فرزندش، میرزا مهدی

نوقانی، به سر برد. هم‌چنین به دعوت شیخ

محمد حسین مطهری، پدر شهید مرتضی

مطهری، همراه امام خمینی (ره) به فریمان

رفت.

با مرحوم حاج شیخ عباس قمی، مرحوم

بروجردی و مرحوم سید جمال الدین

گلپایگانی و دیگر علمای برجسته

قم و عتبات رابطه نزدیک داشت و به

درخواست حاج شیخ عباس قمی، مقدمه

مفاتیح الجنان را نوشت. در چاپ‌های اول

مفاتیح، نام میرزا در پایان مقدمه به چشم

می‌خورد.

سه مقاله، دو مقاله، تعلیقات بر شرح

نهج البلاغه ابن ابی الحدید شرح بخشی از

گوهر مراد و مجموعه اشعار و جنگ خطابه

از مجموعه تألیفات آیت‌ا... نوقانی است

که از آن میان فقط سه مقاله و مجموعه

اشعار به چاپ رسیده است. گفته می‌شود

به درخواست برخی از بزرگان، سه مقاله

را در نقد و بررسی مقالات ماتریالیست‌ها،

مسیحیان و مسلمانان نوشت.

این عالم عالی‌قدر شب دهم جمادی‌الاول

۱۳۷۰ هجری قمری برابر با ۲۸ بهمن ۱۳۲۹

هجری شمسی بر اثر سکت قلبی درگذشت

و در دارالسعادة حرم مطهر رضوی دفن شد.